



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Volume 3, Issue 5, 2024

Examining the Conviction of Preventing Access to Civil and Political Rights in the Substitution of Imprisonment

Mostafa Amiri*¹, MohammadShahab Jalilvand²

1. PhD Student, Department of Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

2. Assistant Professor, Department of Law, Imam Baqir University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 417-430

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0008-7610-8751

TELL: +982144845205

Email: mostafaamiri09@gmail.com

Article history:

Received: 05 Sep 2023

Revised: 11 Nov 2023

Accepted: 17 Dec 2023

Published online: 20 Feb 2024

Keywords:

Imprisonment, Deprivation, Civil Rights, Political Rights.

ABSTRACT

In countries with a prison-based criminal system, not only did crime not decrease; Moreover, the number of recidivism by convicts with a history was high and there were widespread criticisms of the negative effects of prison, both economically and socially. As a result, lawyers decided to replace it with imprisonment. In Iran's criminal system, the legislator has also allowed imprisonment and the possibility of converting it into an alternative punishment. Based on this, the purpose of this article is to examine one of these alternative punishments, which is the deprivation of a person's civil and political rights, which, according to the law or the ruling of a competent court, causes the punishment of deprivation of social rights; Because this punishment has legal roots, but it has been codified from French criminal law into Iran's criminal law. In the Islamic Penal Code, the method of compiling and applying this punishment is considered as independent, secondary, supplementary and protective and educational measures. This theoretical research was done with a descriptive-analytical method and it was done to collect information from the library method and referring to books, articles and documents. The obtained results show that the way of applying this punishment due to the creation of job restrictions, in addition to the fact that it affects the return of the criminal and has negative effects on his family, because there is no proportionality between crime and punishment; That is, it is against the principles of equality and legality of crimes and punishments. In the new Islamic Penal Code, the definition of social rights and restoration of dignity is foreseen to be removed from the judicial type.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Amiri, M & Jalilvand, M (2024). "Examining the Conviction of Preventing Access to Civil and Political Rights in the Substitution of Imprisonment". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(5): 417-430.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره سوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۲

بررسی محکومیت ممانعت از دسترسی به حقوق مدنی و سیاسی در جایگزینی مجازات حبس

مصطفی امیری*^۱، محمد شهاب جلیوند^۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه امام باقر^(ع)، تهران، ایران.

چکیده

در کشورهای با نظام کیفری حبس‌محور، نه تنها ارتکاب جرم کاهش نیافت، بلکه آمار تکرار جرم توسط محکومان سابقه‌دار رقم بالایی داشت و نیز انتقادهای گسترده‌ای به آثار منفی زندان هم به لحاظ اقتصادی هم اجتماعی وجود داشت، در نتیجه حقوق‌دانان تصمیم به جایگزین‌سازی برای مجازات حبس گرفتند. در نظام کیفری ایران نیز قانون‌گذار در خصوص مجازات حبس و امکان تبدیل آن به مجازات جایگزین امکان‌قائل شده است. بر این اساس، هدف مقاله حاضر این است که یکی از این مجازات‌های جایگزین که عبارت است از: سلب حقوق مدنی و سیاسی شخص که به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح موجب مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی است، بررسی شود، زیرا این مجازات ریشه فقهی دارد، ولی به صورت مدون از حقوق جزای فرانسه وارد حقوق جزای ایران شده است. در قانون مجازات اسلامی نحوه تدوین و اعمال این مجازات به طور مستقل، تبعی، تکمیلی و اقدامات تأمینی و تربیتی در نظر گرفته شده است. این پژوهش نظری و با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است و برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و مراجعه به کتاب‌ها، مقاله‌ها و اسناد انجام شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که نحوه اعمال این مجازات به دلیل ایجاد محدودیت‌های شغلی، علاوه بر این که بحث بازگشت مجرم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اثرات منفی بر خانواده وی را نیز به همراه دارد، به دلیل این که هیچ‌گونه تناسبی بین جرم و کیفر وجود ندارد، یعنی مخالف با اصول تساوی و قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها است، در قانون مجازات اسلامی جدید حذف تعریف حقوق اجتماعی و اعاده حیثیت از نوع قضایی پیش‌بینی شده است که از ایرادات موجود در این خصوص است، هر چند افزایش اعمال مجازات‌های جایگزین زندان و پذیرش مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی از نقاط قوت در تصویب قانون مجازات اسلامی جدید است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۱۷-۴۳۰

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۸۷۵۱-۸۷۶۱۰-۷۶۱۰-۰۰۸-۰۰۹

تلفن: +۹۸۲۱۴۴۸۴۵۲۰۵

ایمیل: mostafaamiri09@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

مجازات حبس، محرومیت، حقوق مدنی، حقوق سیاسی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

حقوق مدنی که از شرایط اولیه زندگی اجتماعی فرد به حساب می‌آید و بدون این حقوق زندگی مدنی فرد غیرممکن می‌شود. به همین دلیل این دسته از حقوق جزء ضروری حیات آزادانه و مترقیانه فرد محسوب می‌شود. پایه و اساس این دسته از حقوق مبتنی بر اصل فرصت‌های مساوی برای همه انسان‌ها به‌طور همسان است، به همین دلیل بهره‌مندی فرد از این حق از طرف دولت‌ها تضمین شده است. بعضی از واحدهای حقوق مدنی و سیاسی عبارت‌اند از: حق حیات، حق آزادزیستن، حق نوشتن و منتشرکردن، حق مالکیت، حق به‌دست‌آوردن و نگه‌داشتن مال، حق آزادی بیان، تجمع و احزاب، حق انعقاد قرارداد و معامله، حق تشکیل خانواده و حق کار، حق رأی‌دادن، حق انتخاب‌شدن، حق اشتغال در تشکیلات دولتی، حق شکایت از مأموران دولتی و محرومیت در اصطلاح حقوق کیفری نوعی منع قانونی است که شخص به‌موجب آن صلاحیت و شایستگی اعمال خودش را از دست می‌دهد. بنابراین منع و بازداشتن اشخاص از حقوق اجتماعی را محرومیت از حقوق اجتماعی می‌گویند. این مجازات براساس جنبه اجتماعی محدود، ایجاد محرومیت برمبنای فقه و حقوق در قالب سلب قانونی برخی امتیازات اجتماعی افراد در جامعه اجرا می‌شود که دامنه آن به‌دلیل تنوع پذیرش نقش‌های اجتماعی بسیار وسیع است و نمی‌توان تعریف دقیقی از آن ارائه کرد، ولی برمبنای تحقیق در حوزه فقهی و حقوق جزایی می‌توان آن را تا حدودی بررسی کرد.

باتوجه به هدف پژوهش حاضر که بررسی محکومیت ممانعت از دسترسی به حقوق اجتماعی در مجازات جایگزین حبس است، ضرورت انجام این پژوهش در این است که قوانین مصوب در این‌باره مورد نقد و بررسی قرار بگیرد و جنبه‌های مختلف آن در تأثیر بر میزان کاهش جرم و یا تأثیرات آن بر زندگی فردی و اجتماعی شخص محکوم‌به ارزیابی شود.

در این زمینه پژوهش‌های زیادی انجام شده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: محمد آشوری (۱۳۸۲) در کتابی با عنوان «جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین» مزایا و معایب این مجازات حبس را بررسی کرده است. خسرو شجریان

(۱۳۹۳) در پژوهش خود بیان کرده است که در راستای حبس‌زدایی، می‌توان مجازات حبس خانگی و حبس‌های الکترونیکی را پیشنهاد کرد، اما نوآوری پژوهش حاضر در این است که به‌دلیل اثرات مخرب حبس و نیز تأثیر منفی آن بر مجرم‌های سابقه‌دار در تکرار جرم و ...، قوانین مصوب در این زمینه را بررسی کرده است، زیرا مجازاتی مثل محرومیت از حقوق سیاسی و مدنی فرد را با معضلات بسیاری روبه‌رو می‌کند و در تکرار جرم تأثیر بیشتری دارد.

در این پژوهش ابتدا قوانین مصوب در زمینه مجازات‌های جایگزین حبس در محکومیت محرومیت از حقوق اجتماعی بررسی شده است، سپس تأثیر و تأثرات این نوع مجازات و نیز جنبه‌های مختلف آن بررسی شده است و در ادامه مجازات‌های پیشنهادی بیان شده است. باتوجه به آنچه گفته شد، پرسش اصلی تحقیق چنین بیان می‌شود که کارکردهای محرومیت از حقوق سیاسی و مدنی مجرم به‌عنوان جایگزین مجازات حبس کدام است؟

۱- مبانی حقوق مدنی و سیاسی

حقوق مدنی و سیاسی به یک معنی ارتباط کاملی با یکدیگر دارند و در عین حال قابل تمیز و تفکیک هستند، بدین‌شکل که حقوق مدنی ملازمه با وجود و حیات انسان دارد و بدون آن‌ها امکان حیات و زندگی نیست، درحالی‌که حقوق سیاسی ملازمه با وجود اجتماعی انسان دارد. «بنابراین به‌لحاظ درجه اهمیت می‌توان گفت حقوق مدنی اهم و حقوق سیاسی مهم است. برخی حقوق‌دانان از حقوق اجتماعی به‌عنوان حقوق مدنی تعبیر می‌کنند و شامل امتیازاتی می‌دانند که قانون یا عرف به رسمیت شناخته است و صاحب حق قانونی مدعی آن‌ها است. این حقوق به زندگی و دارایی افراد مربوط می‌شود. حمایت از این حقوق در برابر رفتار خودسرانه دولت از طریق قانون اساسی و مصوبات قانونی مجلس تضمین می‌شود. رسمیت‌یافتن این حقوق بستگی به شکل حکومت و وضعیت رایج سیاسی در آن کشور دارد» (خالقی، ۱۳۸۰: ۴۰).

حقوق اجتماعی دارای مفهوم بسیار وسیعی دارد و باتوجه به گستردگی حقوق افراد در جوامع مختلف، حقوق اجتماعی برمبنای امتیازاتی است که براساس قانون اساسی برای اتباع

ارتکاب برخی جرایم و یا میزان محکومیت‌ها به انجای مختلفی، از جمله به صورت تبعی، تکمیلی، مستقل و نوعی اقدام تأمینی در قوانین جزایی پیش‌بینی شده‌اند (بختیاری اصل، ۱۳۹۴: ۷۶).

تعریف قانونی ارائه شده توسط مقنن در تبصره ۱ ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۰ بیان شده بود. حقوق اجتماعی که مجموعه حقوق سیاسی و مدنی است، عبارت است از حقوقی که قانون‌گذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور کرده است و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح است. در ماده ۴-۱۲۳ لایحه قانون مجازات اسلامی قانون‌گذار حقوق اجتماعی را چنین تعریف کرده است: «حقوق اجتماعی عبارت است از حقوقی که قانون‌گذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت ایران منظور کرده است و سلب آن منحصرأ به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح است.» محرومیت از حقوق اجتماعی در قانون مجازات اسلامی جدید در ماده ۲۶ حذف و تنها به مصادیق آن اشاره شده است.

۱-۲- بررسی محرومیت از حقوق سیاسی و مدنی در قوانین جزایی

قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱/۰۷/۲۱ در بخش کلیات تقسیم‌بندی جرایم را حذف و تنها در ماده ۷ مجازات‌ها را حسب نوع جرایم بر چهار نوع حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم کرده است و نیز در فصل دوم زیرعنوان مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، تبعی و تکمیلی تدوین و در خصوص مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به مواردی اشاره شده است، از جمله ماده ۱۴ که می‌گوید: «هرکس به علت ارتکاب جرم عمدی به حکم تعزیری محکوم شود، دادگاه می‌تواند محکوم علیه را به عنوان تتمیم حکم تعزیری مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع یا به اقامت در محل معین مجبور نماید.» قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۰۹/۰۷ بدون تقسیم‌بندی جرایم، باب دوم آن را به مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اختصاص و تنها در تقسیم‌بندی مجازات‌ها در ماده ۱۲ مجازات‌های بازدارنده را افزوده است و انواع مجازات‌ها را به

کشورها و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور شده است. به همین دلیل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فصل سوم به حقوق مختلف ملت از اصل نوزدهم تا چهل و دوم اشاره کرده است، لذا تعاریف ارائه شده به شرح زیر از حقوق اجتماعی جنبه تمثیلی دارد (گلدوزیان، ۱۳۸۷: ۹۷).

۱-۱- بررسی مصادیق حقوق سیاسی و مدنی در اصول قانونی

حقوق سیاسی شامل حق استخدام، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجالس مقننه و انجمن ایالتی و ولایتی و بلدی و در هیأت منصفه، ادای شهادت در مراجع رسمی، داوری و مصدق واقع شدن است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳: ۵۴).

حقوق اجتماعی عبارت است از آن دسته حقوقی که فرد در زندگی اجتماعی و سیاسی خود دارا بوده و آن را در متن اجتماع و در ارتباط با سرنوشت جامعه و افراد دیگر اعمال می‌کند.

حقوق اجتماعی در واقع مزایا و امتیازاتی است که در متن اجتماع و در ارتباط با سایر اعضای جامعه محقق می‌شود، به نحوی که اعمال این حقوق با سرنوشت و حیات اجتماعی کلیه اعضا در ارتباط است (صبری، ۱۳۹۰: ۱۰۱).

حقوق اجتماعی مزایا و امتیازاتی است که در متن اجتماع و در ارتباط با سایر اعضای جامعه محقق می‌شود، به نحوی که اعمال این حقوق با سرنوشت و حیات اجتماعی کلیه اعضا در ارتباط است. این حقوق عبارت‌اند از: حق مشارکت در اداره کشور، انتخاب کردن و انتخاب شدن، عضویت در انجمن‌ها و گروه‌ها، اشتغال و آموزش، آزادی انتخاب محل سکونت، فعالیت اقتصادی، منع کار اجباری (خالقی، ۱۳۸۰: ۴۱).

ممانعت از دسترسی به حقوق سیاسی و مدنی در نظام حقوقی ایران برابر قوانین در حوزه‌های چهارگانه امور کیفری، مدنی، بازرگانی و اداری قرار گرفته است و در هر مورد تعریف خاصی براساس مستند قانونی به خود می‌گیرد، در نتیجه محرومیت از این حقوق در حقوق جزای ایران به عنوان نوعی مجازاتی تعزیری و بازدارنده محسوب شده است و به دلیل

حکم دادگاه صالح است، از قبیل: الف- حق انتخاب شدن در مجلس شورای اسلامی و خبرگان و عضویت در شورای نگهبان و انتخاب شدن به ریاست جمهوری؛ ب- عضویت در کلیه انجمن‌ها و شوراهای و جمعیت‌هایی که اعضای آن به موجب قانون انتخاب می‌شوند؛ ج- عضویت در هیأت‌های منصفه و امنا؛ د- اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه‌نگاری؛ ه- استخدام در وزارتخانه‌ها، سازمان‌های دولتی، شرکت‌ها، مؤسسات وابسته به دولت، شهرداری‌ها، مؤسسات مأمور به خدمات عمومی، ادارات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و نهادهای انقلابی؛ و- وکالت دادگستری و تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتراری؛ ز- انتخاب شدن به سمت داوری و کارشناسی در مراجع رسمی؛ ح- استفاده از نشان و مدال‌های دولتی و عناوین افتخاری.»

۲- انواع و نحوه اعمال مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی در قوانین جزایی

در این قسمت انواع نحوه اعمال مجازات‌های محرومیت از حقوق سیاسی و مدنی به تفکیک بیان می‌شود.

۲-۱- اعمال مجازات با نظر قاضی (مجازات تکمیلی یا تکمیلی)

قانون‌گذار تعریفی از مجازات‌های تکمیلی و تبعی ارائه نکرده است، ولی در تبصره ذیل ماده ۱۹ اصلاحی قانون کیفر عمومی مصوب ۱۳۲۸/۰۴/۰۷ بیان داشته است کیفر تبعی اثر ناشی از حکم است؛ بدون قید در حکم و کیفر تکمیلی همان کیفر تبعی است با این تفاوت که مثل کیفر اصلی در حکم دادگاه قید می‌شود و نیز در تبصره ۱ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲ موارد محرومیت از حقوق اجتماعی را منحصر در این مجازات‌ها از نوع تبعی دانسته است.

در این باره نظریه حقوقی شماره ۷/۱۶۰۴ مورخ ۱۳۷۹/۰۸/۱۸ بیان داشته است که: «کیفر مقرر در ماده ۱۹ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ کیفر تکمیلی است و نوع و مدت آن باید در حکم قید گردد، اما محرومیت از حقوق اجتماعی مندرج در بندهای سه‌گانه ماده ۶۲ مکرر قانون موصوف کیفری تبعی بوده و به تبع حکم محرومیت درباره محکوم اجرا می‌گردد و قید آثار محرومیت در حکم ضرورت ندارد.»

پنج دسته: حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده تقسیم کرده است و در ماده ۱۷ مجازات بازدارنده را چنین تعریف کرده است: «تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌شود، از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن به این ترتیب محرومیت از حقوق اجتماعی را در ردیف مجازات‌های بازدارنده قرار داده است و در ماده ۱۹ این قانون چنین تدوین شده است: دادگاه می‌تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است، به عنوان تنمیه حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع و یا به اقامت در محل معین مجبور نماید.»

در ماده ۲۰ قانون‌گذار تأکید کرده است که محرومیت از بعضی یا همه حقوق اجتماعی و اقامت اجباری در نقطه معین یا ممنوعیت از اقامت در محل معین باید متناسب با جرم و خصوصیات مجرم و در مدت معین باشد. قانون‌گذار اسلامی به علت عدم ارائه تعریف و نوع جرایم مشمول محرومیت از حقوق اجتماعی اقدام به تصویب و الحاق ماده ۶۲ مکرر در مورخ ۱۳۷۷/۰۲/۲۷ در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۰۹/۰۷ کرد.

ماده ۶۲ مکرر: «محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به شرح زیر، محکوم علیه را از حقوق اجتماعی محروم می‌نماید و پس از انقضای مدت تعیین شده و اجرای حکم رفع اثر می‌شود:

- محکومان به قطع عضو در جرایم مشمول حد، پنج سال پس از اجرای حکم؛

- محکومان به شلاق در جرایم مشمول حد، یک سال پس از اجرای حکم؛

- محکومان به حبس تعزیری بیش از سه سال، دو سال پس از اجرای حکم.»

تبصره ۱ حقوق اجتماعی عبارت است از: «حقوقی که قانون‌گذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر اتباع مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور و سلب آن به موجب قانون یا

- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی.»

برخلاف ماده ۲۹ ق.م.ا سابق (مصوب ۱۳۷۰) که قانون گذار به دادگاه صالح به طور عموم و قاضی به نحو اخص اختیار داده است که می تواند کسی را که به دلیل ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است، به عنوان تتمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق سیاسی و مدنی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع و یا به اقامت در محل معین مجبور کند. در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) با تفاوت عمده در فصل دوم با عنوان مجازات های تکمیلی و تبعی در ماده ۲۳ بیان داشته است که: «دادگاه می تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری تا درجه شش محکوم کرده است، با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات های تکمیلی محکوم نماید.» تفاوت در این است که در ماده ۲۳ ق.م.ا جدید (مصوب ۱۳۹۲) بعضی از مصادیق مجازات محرومیت از حقوق سیاسی و مدنی به عنوان مجازات تکمیلی اعمال می شود، از جمله اقامت اجباری در محل معین، منع از اقامت در محل یا محل های معین، منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین، انفصال از خدمات دولتی و عمومی، منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری، منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارتي، منع از حمل سلاح، منع از خروج اتباع ایران از کشور، اخراج بیگانگان از کشور، منع از عضویت در احزاب، گروه ها و دسته های سیاسی یا اجتماعی و انتشار حکم محکومیت قطعی و برخی از اقدامات تکمیلی نظیر الزام به خدمات عمومی، توقیف وسایل ارتكاب جرم یا رسانه یا مؤسسه ای که در ارتكاب جرم دخالت داشته است، الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین و الزام به تحصیل دارای جنبه اقدامات تأمینی هستند.

برابر تبصره ذیل این ماده حداکثر مدت این مجازات ها دو سال است، ولی به دلیل ایجاد تلفیق با مجازات تبعی موضوع ماده ۲۵ این قانون در ادامه گفته است: «مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نموده است.» قانون گذار بیان کرده است دادگاه می تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات

در این نوع مجازات قانون گذار برابر ماده ۲۹، ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۰ و قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹/۰۲/۱۲ به دادگاه صالح به طور عموم و قاضی به نحو اخص اختیار داده است تا می تواند کسی را که به علت ارتكاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است، به عنوان تتمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع و یا به اقامت در محل معین مجبور نماید و در ماده ۲۰ قانون گذار تأکید کرده است محرومیت از بعضی یا همه حقوق اجتماعی و اقامت اجباری در نقطه معین یا ممنوعیت از اقامت در محل معین باید متناسب با جرم و خصوصیات مجرم و در مدت معین باشد. «ماده ۷۲۸ به قاضی اختیار داده است که با ملاحظه خصوصیات جرم، مجرم و دفعات ارتكاب جرم در موقع صدور حکم و در صورت لزوم از مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق و مجازات های تکمیلی و تبدیلی از قبیل قطع موقت خدمات عمومی استفاده کند» (شاکری، ۱۳۹۶: ۴۲).

در قانون مجازات اسلامی جدید (مصوب ۱۳۹۲) قانون گذار پس از حذف مجازات های بازدارنده، کلیه جرایم به غیر از حد، قصاص و دیه را مشمول مجازات های تعزیری قلمداد کرده است و به همین دلیل در ماده ۱۸ این قانون تعزیر را چنین تعریف کرده است: «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نبوده و به موجب قانون در موارد ارتكاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می شود. نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون خواهد بود.»

قانون گذار بدون الزام قانونی در ادامه این ماده برای توجه به مجرم و پیروی از اصول جرم شناسی به دادگاه توصیه کرده است در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، امور زیر را مورد توجه قرار دهد:

«- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتكاب جرم؛

- شیوه ارتكاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان بار آن؛

- اقدامات مرتکب پس از ارتكاب جرم؛

مجازات‌ها را که موجب محرومیت از حقوق اجتماعی می‌شوند، در اصطلاح مجازات‌های تبعی می‌نامند (صبری، ۱۳۹۰: ۱۶۳). برای مثال جرایم موضوع مواد ۶۲ مکرر ق.م.ا سابق مصوب ۱۳۷۰ و ماده ۲۵ ق.م.ا جدید مصوب ۱۳۹۲ برداشتی دیگری که از مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی شده است، این است که آن را یکی از مصادیق عمده مجازات تبعی است، دانسته‌اند و در نقد تعریف مجازات تبعی گفته شده است محرومیت از حقوق اجتماعی لزوماً به معنای مجازات تبعی نیست و بین این دو مفهوم عموم و خصوص من‌وجه وجود دارد و ممکن است در قالب مجازات اصلی و تکمیلی نیز صورت بگیرد (رستمی غازانی و واعظی، ۱۳۸۹: ۷۰) و این اتفاق حاصل شده است که این مجازاتی است که خودبه‌خود و بدون لزوم ذکر در حکم دادگاه بر مرتکب جرم اعمال می‌شود و محرومیت از حقوق اجتماعی یکی از مصادیق مجازات تبعی و منحصر به آن نیست و نکته دیگر آنکه مجازات تبعی می‌تواند به سبب ارتکاب جرم خاص و یا محکومیت به جرم یا مجازات خاص و یا به سبب تحمل مجازات خاص بر شخص اعمال می‌شود. از این رو می‌توان مجازات تبعی را مجازاتی دانست که به موجب قانون و بدون نیاز به حکم قضایی به سبب ارتکاب جرم خاص یا محکومیت به ارتکاب جرم و یا مجازات خاص و یا تحمل مجازات خاص بر شخص بار می‌شود (رستمی غازانی و واعظی، ۱۳۸۹: ۷۱).

به نظر اصل بر این است محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی یکی از انواع مجازات‌های جایگزین حبس است، ولی به دلیل نحوه اعمال آن در قوانین جزایی است که تحت عناوینی همچون مجازات اصلی یا مستقل، تبعی و تکمیلی تبیین شده است و به همین دلیل در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانون‌گذار مقرر کرده است: «محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محکوم می‌کند.»

نحوه اعمال این مجازات همان‌طور که در قوانین جزایی ایران مقرر شده است، براساس نوع و میزان جرم است، در ماده ۶۲ مکرر الحاقی در مورخ ۱۳۷۷/۰۲/۲۷ به قانون مجازات اسلامی

تعزیری تا درجه شش محکوم کرده است، به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی محکوم کند. به نظر این ماده دارای ایرادهای اساسی به شرح زیر است: الف- در این ماده مصادیق مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی با چند مورد مجازات تکمیلی دارای خصیصه اقدام تأمینی تدوین شده است؛ ب- صرف ارتکاب جرم عمدی در این ماده مجرم مشمول مجازات تکمیلی نمی‌شود، بلکه شرط لازم محکومیت به حد، قصاص و مجازات‌های تعزیری تا درجه شش است، یعنی محدودیت اختیار دادگاه؛ ج- برابر ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برخی از جرایم حدی و یا توقف قصاص و نیز مجازات‌های تعزیری درجه ۵ و ۶ محکوم‌علیه را پس از اجرای حکم به مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به صورت تبعی محکوم می‌کند.

در مقایسه با ماده ۲۹، قانون مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۰ قانون‌گذار به دادگاه صالح به‌طور عموم و قاضی به‌نحوه اخص اختیار داده بود، می‌تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است، به عنوان تنمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع و یا به اقامت در محل معین مجبور کند، ولی در ماده ۲۵ قانون جدید ارتکاب جرم عمدی از نوع تعزیر یا بازدارنده تنها مطرح نیست، بلکه جرایم حدی، قصاص و انواع مجازات‌های تعزیری تا درجه ششم را مشخص کرده است.

۳- اعمال مجازات براساس نوع و میزان مجازات

۳-۱- مجازات تبعی

مجازات تبعی عبارت است از مجازاتی که علاوه بر مجازات اصلی، خودبه‌خود و بدون ذکر آن در حکم دادگاه به موجب قانون بر محکومیت اعمال می‌گردد. به بیانی دیگر ضمانت اجرای تبعی عبارت است از مجازاتی که نیازی به ذکر آن در حکم محکومیت کیفری نیست، بلکه اثری ناشی از حکم است. گاه اهمیت جرم یا وضعیت مجرم به‌گونه‌ای است که قانون‌گذار نه تنها بر اجرای مجازات اصلی و حتی تکمیلی در مورد آن اکتفا نمی‌کند، بلکه مجرد صدور حکم محکومیت از سوی قاضی منشأ یک دسته مجازات‌های دیگری است. این

۲- سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار؛

۳- دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج.»

ماده ۲۶: حقوق اجتماعی موضوع این قانون به شرح زیر است:

«۱- داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا؛ ۲- عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیأت دولت و تصدی معاونت رییس جمهور؛ ۳- تصدی ریاست قوه قضاییه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور، ریاست دیوان عدالت اداری؛ ۴- عضویت در انجمن‌ها، شوراها، احزاب و جمعیت‌هایی که اعضای آن به موجب قانون یا با رأی مردم انتخاب می‌شوند؛ ۵- عضویت در هیأت‌های منصفه و امنای و شوراهای حل اختلاف؛ ۶- اشتغال به عنوان مدیر مسؤول یا سردبیر رسانه‌های گروهی؛ ۷- استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاه‌های حکومتی اعم از قوای سه‌گانه و سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به آن‌ها، صدا و سیما، نیروهای مسلح و سایر نهادهای تحت نظر رهبری، شهرداری‌ها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و آن دسته از دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم تصریح یا ذکر نام است؛ ۸- اشتغال به عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتریاری؛ ۹- انتخاب شدن به سمت قیم، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام؛ ۱۰- انتخاب شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی؛ ۱۱- استفاده از نشان‌های دولتی و عناوین افتخاری؛ ۱۲- تأسیس، اداره یا عضویت در هیأت مدیره شرکت‌های دولتی، تعاونی و خصوصی یا ثبت نام تجاری یا مؤسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و علمی.»

مصوب ۱۳۷۰ مقرر شده بود که: «محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی، محکوم‌علیه را از حقوق اجتماعی محروم و پس از انقضای مدت تعیین شده و اجرای حکم رفع اثر می‌شود و به ترتیب محکومان به قطع عضو، شلاق در جرایم حدی و حبس تعزیری بیش از دو سال را به ترتیب پنج، یک و دو سال پس از اجرای حکم از حقوق اجتماعی محروم می‌کند» و در تبصره ۲ ذیل همین ماده عدم اجرای حکم اعدام را موجب هفت سال محرومیت عنوان کرده است و در تبصره ۱ ذیل ماده ۶۲ مکرر حقوق اجتماعی، چنین تعریف کرده است: «حقوقی که قانون‌گذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور کرده است و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح است» از قبیل:

«الف- حق انتخاب شدن در مجلس شورای اسلامی و خبرگان و عضویت در شورای نگهبان و انتخاب شدن به ریاست جمهوری؛ ب- عضویت در کلیه انجمن‌ها و شوراها و جمعیت‌هایی که اعضای آن به موجب قانون انتخاب می‌شوند؛ ج- عضویت در هیأت‌های منصفه و امنای؛ د- اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه‌نگاری؛ ه- استخدام در وزارتخانه‌ها، سازمان‌های دولتی، شرکت‌ها، مؤسسات وابسته به دولت، شهرداری‌ها، مؤسسات مأمور به خدمات عمومی، ادارات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و نهادهای انقلابی؛ و- وکالت دادگستری و تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتریاری؛ ز- انتخاب شدن به سمت داوری و کارشناسی در مراجع رسمی؛ ح- استفاده از نشان و مدال‌های دولتی و عناوین افتخاری.»

در مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان تبعی و تنها مصادیق آن ذکر شده است:

ماده ۲۵: محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی، محکوم را پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده، از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند:

«۱- هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی؛

دادگاه اختیار صدور حکم حداقل و حدکثر به مجازات‌های شلاق، جزای نقدی و مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی را داده است.

در نتیجه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حداقل و حداکثر مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تعزیری شش‌ماه تا پانزده‌سال در نظر گرفته شده است.

۱- محرومیت از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تعزیری درجه ۵ از پنج‌سال تا پانزده‌سال؛

۲- محرومیت از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تعزیری درجه ۶ از بیش از شش‌ماه تا پنج‌سال؛

۳- محرومیت از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تعزیری درجه ۷ تا شش‌ماه.

لازم به ذکر است از مواد ۲۹ الی ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اعمال برخی از مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی را مستلزم اقدامی دیگر به شرح زیر دانسته است:

- منع اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار معین را مستلزم لغو جواز کار یا پروانه کسب دانسته است، مشروط بر این‌که جرم به سبب این موارد ارتکاب یافته یا آن اشتغال وقوع آن را تسهیل نموده باشد.

- منع از رانندگی و تصدی وسیله نقلیه موتوری مستلزم ابطال گواهی‌نامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است.

- منع از اصدار چک مستلزم ابطال برگه‌های سفید دسته‌چک و انسداد حساب جاری و ممنوعیت از درخواست مجدد افتتاح حساب جاری است.

- منع از حمل اسلحه مجاز مستلزم ابطال پروانه حمل و توقیف سلاح خواهد بود.

- منع از خروج اتباع ایران از کشور مستلزم ابطال گذرنامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است.

- اخراج موقت یا دائم بیگانگان محکوم به مجازات از کشور پس از اجرای مجازات و با حکم دادگاه است.

آنچه از بررسی مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به‌صورت تبعی در مواد ۲۵ و ۲۶ قانون جدید به‌دست می‌آید رفع ابهامات ماده ۶۲ مکرر و تبصره‌های قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بوده است، هرچند تعریف حقوق اجتماعی در این قانون حذف شده است و صرفاً به مصادیق آن در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره شده است.

تغییرات ایجادشده درخصوص مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به‌عنوان تبعی به شرح ذیل است:

۱- محکومیت در خصوص جرم عمدی باید قطعی باشد.

۲- پس از اجرای یا شمول مرور زمان این مجازات قابلیت اعمال دارد.

۳- جرایم و مدت مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی افزایش یافته است.

۴- انفصال مستخدمان دولتی درصورت محرومیت از حقوق اجتماعی برابر تبصره ۱ ذیل ماده ۲۵ مستخدمان دستگاه‌های حکومتی درصورت محرومیت از حقوق اجتماعی، خواه به‌عنوان مجازات اصلی باشد و خواه مجازات تکمیلی یا تبعی، حسب مورد در مدت مقرر در حکم یا قانون، از خدمت منفصل خواهند شد.

اعمال مجازات محرومیت دائم از برخی مصادیق حقوق اجتماعی، از جمله: ۱- داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا؛ ۲- عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیأت دولت و تصدی معاونت رییس جمهور؛ ۳- تصدی ریاست قوه قضاییه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور، ریاست دیوان عدالت اداری.

۲-۳- مجازات اصلی (مستقل)

علاوه بر این‌که مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات اصلی با حبس، جریمه نقدی و ضبط تجهیزات همراه شده است، در تبصره ۳ ذیل ماده ۳ این قانون، قانون‌گذار به

۴- بررسی مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی

جایگاه محرومیت از حقوق اجتماعی به طور اخص تحت عنوان مجازات اصلی، تنمیمی (تکمیلی)، تبعی در قوانین جزایی قبل، بعد از انقلاب و نیز لایحه و قانون مجازات اسلامی جدید تعیین شده است، ولی این که در ردیف کدام یک از مجازات‌های مقرر، از جمله حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده قرار گرفته است؟ باتوجه به بررسی این قوانین ابتدا برابر ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ از نوع مجازات‌های بازدارنده ذکر شده است، سپس در ماده ۱۰-۱۲۱ لایحه قانون مجازات اسلامی بدون هیچ‌گونه تفکیکی بین انواع مجازات‌های تعزیری و بازدارنده آن‌ها را به حبس، تبعید، جزای نقدی روزانه، الزام به کارهای عام‌المنفعه، محرومیت یا محدودیت از حقوق، مصادره اموال، تشهیر، اقدامات تأمینی و تربیتی تقسیم‌بندی کرده است. با تصویب این لایحه تغییر یافته و قابل انتقاد توسط مجلس شورای اسلامی و تأیید آن، در مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ توسط شورای نگهبان، تقسیم‌بندی جرایم مجدداً حذف و مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی در ماده ۱۹ در ردیف مجازات‌های تعزیری قرار گرفته است.

آنچه قابل فهم است، بازدارنده یا بازدارندگی وصف هر مجازاتی است و به مجازات خاصی تعلق ندارد و انتخاب وصف بازدارندگی برای کیفرهای مذکور در ماده ۱۷ که سابقاً تعزیرات حکومتی نامیده می‌شوند، فقط به جهت معین‌بودن نوع و میزان آن است. بنابراین وجه ممیزه تعزیر از بازدارنده وجود سابقه و ریشه شرعی و فقهی برای تعزیر است.

باتوجه به تعریف تعزیرات شرعی در تبصره ۱ ماده ۲ قانون آیین دادرسی در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ که بیان داشته است تعزیرات شرعی عبارت است از: «مجازات‌هایی که در شرع مقدس اسلام برای ارتکاب فعل حرام یا ترک واجب بدون تعیین نوع و مقدار مجازات مقرر گردیده است، این تعریف با کمی تفاوت در ماده ۶-۱۲۱ لایحه قانون مجازات اسلامی گفته شده است تعزیر عبارت است از مجازات شلاق یا سایر مجازات‌هایی که در شرع مقدس بر ارتکاب گناهان کبیره به شرح مندرج در این قانون مقرر شده و مقدار یا اجرایی آن به نظم حاکم واگذار شده است و

در ادامه مقدار شلاق تعزیری را جزء در مقدار معین آن در شرع، کمتر از ۷۵ ضربه عنوان کرده است» (عابدی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۲۵).

می‌توان گفت بین اصطلاحات تعزیر و مجازات بازدارنده رابطه عمومی و خصوص مطلق وجود دارد. به بیان دیگر اصطلاح تعزیر شامل مجازات بازدارنده هم می‌شود، ولی اصطلاح مجازات بازدارنده شامل تعزیرات شرعی نیست (شکری و سیروس، ۱۳۸۹: ۵۳). به همین دلیل و با تغییرات متعدد در لایحه با تصویب قانون مجازات اسلامی جدید در سال ۱۳۹۲ اصطلاح مجازات بازدارنده از ردیف انواع مجازات‌ها در ماده ۱۴ این قانون حذف شده است.

۴-۱- مصادیق

آنچه طی بررسی قوانین جزایی ایران در مورد مصادیق محرومیت از حقوق اجتماعی به دست می‌آید، افزایش سلب حقوق اشخاص طی مدت قانون گذاری است:

قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ بدون تعریف حقوق اجتماعی، در ماده ۱۵ محرومیت به آن را مستلزم عواقبی، از جمله محرومیت از استخدام دولتی و استعمال نشان‌های دولتی، محرومیت از حق انتخاب کردن و منتخب شدن خواه در مجالس مقننه و خواه در مؤسسه و انجمن‌های اجتماعی، از قبیل انجمن‌های ایالاتی و ولایاتی و بلدی و ... و محرومیت از عضویت هیأت منصفه و شغل مدیری و معلمی در مدارس و روزنامه‌نویسی و صدقی و حکم یا شاهد تحقیق شدن دانسته است.

قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ نیز تعریفی از حقوق اجتماعی ارائه نکرده است و تنها تبصره ۲ ذیل ماده ۱۵ این قانون محرومیت از حقوق اجتماعی در ۹ مورد احصا کرده است.

در قانون مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۰ نیز حقوق اجتماعی تعریف نشده بود، ولی پس از مدتی قانون گذار اقدام به تصویب و الحاق ماده ۶۲ مکرر در مورخ ۱۳۷۷/۰۲/۲۷ کرد و حقوق اجتماعی در ذیل تبصره ۱ ماده ۶۲ مکرر تعریف و مصادیق آن را در ۸ مورد بیان کرده است: تبصره ۱ حقوق اجتماعی عبارت است از حقوقی که قانون گذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر اتباع مقیم در قلمرو

حاکمیت آن منظور و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح است از قبیل:

«الف- حق انتخاب شدن در مجلس شورای اسلامی و خبرنگاران و عضویت در شورای نگهبان و انتخاب شدن به ریاست جمهوری؛ ب- عضویت در کلیه انجمن‌ها و شوراهای جمعیت‌هایی که اعضای آن به موجب قانون انتخاب می‌شوند؛ ج- عضویت در هیأت‌های منصفه و امانا؛ د- اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه‌نگاری؛ ه- استخدام در وزارتخانه‌ها، سازمان‌های دولتی، شرکت‌ها، مؤسسات وابسته به دولت، شهرداری‌ها، مؤسسات مأمور به خدمات عمومی، ادارات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و نهادهای انقلابی؛ و- وکالت دادگستری و تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتراری؛ ز- انتخاب شدن به سمت داوری و کارشناسی در مراجع رسمی؛ ح- استفاده از نشان و مدال‌های دولتی و عناوین افتخاری.»

در لایحه قانون مجازات اسلامی، حقوق اجتماعی تحت عنوان یک ماده قانونی مستقل و با تغییراتی نسبت به تبصره ۱ ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی توسط قانون‌گذار تعریف شده است. قانون‌گذار پس از تعریف نسبتاً یکسان از حقوق اجتماعی با اضافه کردن کلمه منحصرأ، سلب حقوق اجتماعی را تنها در صورت وجود قانون با رعایت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و نیز یا در صورت صدور حکم از دادگاه صالح مجاز دانسته است و با حذف کلمه «از قبیل» که جنبه تمثیلی داشت، عنوان موارد محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع ماده تصویبی را اضافه و از کلمه «حق» در ابتدای کلیه موارد حقوق اجتماعی ذکر شده استفاده کرده است.

ماده ۴-۱۲۳: «موارد محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع این ماده عبارت‌اند از: حق انتخاب شدن در مجالس شورای اسلامی، خبرنگاران و عضویت در شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و حق انتخاب شدن به ریاست جمهوری یا عضویت در هیأت وزیران و حق عضویت در تمامی انجمن‌ها، شوراهای احزاب و جمعیت‌هایی که اعضای آن به موجب قانون با رأی مردم انتخاب می‌شوند. حق عضویت در هیأت‌های شرکت‌های دولتی و عمومی، هیأت‌های منصفه و امانا و شوراهای حل اختلاف، حق اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه‌نگاری؛ حق استخدام در قوای سه‌گانه، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، نیروهای مسلح و

دیگر نهادهای دولتی، شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت، شهرداری‌ها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی؛ حق وکالت دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتراری؛ حق انتخاب شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی؛ حق انتخاب شدن به سمت قیام، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام؛ حق استفاده از نشان‌های دولتی و بهره‌مندی از عناوین افتخاری؛ حق تأسیس شرکت یا ثبت هرگونه بنگاه تجاری یا مؤسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، علمی و ...»

۵- شرایط و نحوه اعمال مجازات محرومیت از حقوق مدنی و سیاسی

نحوه اعمال مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی با عنوان اصلی، تکمیلی یا تنزیمی در حقوق جزای ایران از مهم‌ترین بخش‌ها است، هرچند اعمال این مجازات در قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹/۰۲/۱۲ نیز با تدابیر جلوگیری از تکرار جرم (جنبه یا جنایت) درباره مجرمان خطرناک اعمال می‌شود، ولی با تصویب لایحه به قانون مجازات اسلامی در مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ به همراه قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی مصوب ۱۳۶۶/۰۷/۲۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی نسخ شده است. برای اعمال محرومیت از حقوق اجتماعی حصول شرایط خاصی ضروری است و بدون تحقق آن شرایط، اجرا و اعمال آن وجاهت قانونی ندارد. برخی از این شرایط عبارت‌اند از:

شرط اول: عمدی بودن جرم ارتكابی: طبق نص صریح مواد ۱۹ و ۶۲ مکرر ق.م.ا. اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۰ و ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۴ باید جرم ارتكابی عمدی باشد، بنابراین اعمال هر نوع محرومیت از حقوق اجتماعی در جرایم غیرعمدی خلاف قانون است، اگرچه میزان مجازات حبس محکوم‌علیه به نصاب مذکور در بند ۳ ماده ۶۲ مکرر هم برسد، البته در مواردی که طبق نص قانونی خاص، محرومیت از حق معینی برای جرایم غیرعمدی مقرر شده باشد، از شمول این شرط مستثنی است.

شرط دوم: استفاده از آن یا اشتغال به آن کسب یا حرفه و شغل احتیاج به اجازه خاص مقامات دولتی داشته باشد (رهامی، ۱۳۸۰: ۱۲). در غیر این صورت، اعمال محرومیت از

تأمینی در جرایمی که صرفاً مستوجب جزای نقدی است، محل اشکال است (رهامی، ۱۳۸۰: ۱۳).

نتیجه‌گیری

با تصویب لایحه قانون مجازات اسلامی که با تغییرات زیاد و قابل انتقاد صورت گرفته است، صرف نظر از ایرادات نگارشی، شکلی و ماهوی ایجاد شده در آن، در مورد مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی تغییرات عمده به شرح زیر صورت گرفته است: حذف عنوان مجازات‌های بازدارنده که مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی در ردیف آن بوده است، در حالی انجام شده است که کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی با عنوان تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲ تنها مواد ۶۲۵ تا ۶۲۹ و ۷۲۷ حذف شده است و این قانون همچنان ضمانت اجرایی دارد. تقسیم‌بندی مجازات‌های تعزیری به هشت درجه در ماده ۱۹ که مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی در ردیف آن قرار گرفته است. مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به صورت عام از درجه ۵ تا ۷ از نوع مجازات تعزیری از حداقل شش ماه تا حداکثر پانزده سال در نظر گرفته شده است. مجازات‌های محرومیت از حقوق اجتماعی به طور خاص نظیر مصادره کل اموال (درجه ۱)، انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی (درجه ۴) و انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها (درجه ۶). تعیین محرومیت دائم از حقوق اجتماعی به عنوان تبعی برای مصادیق حقوق اجتماعی در بندهای «الف»، «ب» و «پ» ذیل ماده ۲۶: «الف- داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شورای اسلامی شهر و روستا؛ ب- عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیأت دولت و تصدی معاونت رییس جمهور؛ پ- تصدی ریاست قوه قضاییه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دیوان عدالت اداری. انفصال مستخدمان دستگاه‌های حکومتی در صورت اعمال مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی تحت عناوین مستقل، تبعی و تکمیلی در مدت مقرر در حکم یا قانون؛ ایجاد مجازات تعیین مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی نوع تکمیلی، شرایط و ضمانت عدم اجرای آن توسط محکوم در مواد ۲۳ و ۲۴ این قانون با وصف اقدامات تأمینی و تعیین

حق اجتماعی، خلاف مقررات است، گرچه بدو امکان است به نظر برسد که این شرط در واقع ناشی از تعریف «حق اجتماعی» است. بنابراین صرف ذکر عبارت «محرومیت از حقوق اجتماعی» برای تحقق این شرط کفایت می‌کند، ولی منظور این است که بخشی از حقوق افراد جامعه مستلزم اجازه خاص مقامات حکومتی نیست، بلکه ناشی از قوانین و مقررات عمومی، از جمله قوانین اساسی و مدنی، قواعد مذهبی و امثال آن است، مانند حق ولایت، حق قضاوت و مالکیت و یا حق انتخاب شغل و مسکن و جزء آنکه از این حقوق تحت عناوینی همچون حقوق شخصی، مدنی، مالی و... یاد می‌شود و صرف صدور حکم محرومیت از حقوق اجتماعی موجب محرومیت از این گونه حقوق نمی‌شود.

شرط سوم: نوع جرم ارتكابی: طبق ماده ۱۹ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ اعمال هر نوع مجازات تکمیلی، از جمله محرومیت از حقوق اجتماعی فقط در جرایم مستوجب تعزیر یا مجازات‌های بازدارنده ممکن است و در مورد سایر جرایم، یعنی جرایم مستوجب حدود و قصاص و دیات، مجازات تکمیلی و تتمیمی قابل اعمال نیست، ولی با تصویب قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ محرومیت از حقوق اجتماعی علاوه بر جرایم تعزیری تا درجه ۶ در حدود و قصاص نیز به عنوان مجازات تکمیلی و تبعی در ماده ۲۳ پیش‌بینی شده است، اما در موردی که محرومیت از بعض حقوق اجتماعی به عنوان یک اقدام تأمینی مورد نظر باشد، وجود شرایط دیگری نیز ضروری است، این شرایط طبق ماده ۹ لایحه قانونی اقدامات تأمینی عبارت‌اند از: جرم ارتكابی به دلیل اشتغال به کسب یا حرفه یا شغل معینی صورت گرفته باشد یا این که شخص مذکور، قبلاً نیز مرتکب این جرم شده باشد (تکرار جرم) و دادگاه حالت او را خطرناک تشخیص دهد، بدین ترتیب برای اعمال محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان اقدام تأمینی علاوه بر شرط «عمدی بودن جرم ارتكابی» و نیز شرط لزوم اذن مقامات برای اشتغال به حرفه یا شغل خاص باید شرایط فوق‌الذکر نیز تحقق یابد. در مورد جرایم مستوجب جزای نقدی، موضوع محل تردید است و براساس قاعده تفسیر به نفع متهم، اعمال مجازات‌های تبعی به عنوان اقدام

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- ارجمند، دانش (۱۳۸۹). *ترمنولوژی حقوق جزای اسلامی*. چاپ سوم تهران: چاپ و صحافی سیمین.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲). *حقوق جزای عمومی*. جلد اول، چاپ پنجم، تهران: نشر میزان.
- آشوری، محمد (۱۳۸۲). *جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین*، چاپ اول، تهران: نشر گرایش.
- آقای جنت‌مکان، حسین (۱۳۹۰). *حقوق کیفری عمومی*. جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- بختیاری اصل، لیلا (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی وظایف و اختیارات قاضی اجرای احکام در حقوق کیفری ایران و فرانسه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تبریز: دانشگاه تبریز.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۳). *مقدمه علم حقوق*. چاپ هفتم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- خالقی، ابوالفتح (۱۳۸۰). «مبانی نظری و جایگاه عملی محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی به‌عنوان جایگزین کیفر سالب آزادی». رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

مدت حداکثر تا دوسال؛ رفع نسبی ایرادات مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی موجود در ماده ۶۲ مکرر و تبصره‌های قانون مجازات اسلامی سابق (۱۳۷۰) در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی جدید؛ حذف تعریف حقوق اجتماعی موجود در قانون سابق و ارائه مصادیق آن در ماده ۲۶؛ رعایت نسبی اصل قانونی‌بودن جرایم و مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی جدید ۱۳۹۲؛ عدم تصویب لایحه مجازات‌های جایگزین زندان و الحاق ناقص و قابل انتقاد آن از مواد ۶۳ الی ۸۶ به قانون مجازات اسلامی جدید؛ حذف قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹/۰۲/۱۲ با تصویب قانون جدید؛ تعیین فصل دهم به مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال در پی عدم تصویب لایحه قانونی تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان ۱۳۸۲؛ عدم کارشناسی دقیق حقوقی در تدوین قانون مجازات اسلامی جدید.»

موارد فوق تنها از دید نگارنده بوده است، ولی مشکلات در تدوین این قانون در حوزه جزائی فراتر از این است. قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران نحوه تدوین و اعمال مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به‌صورت مستقل، تبعی، تکمیلی و اقدامات تأمینی و تربیتی در نظر گرفته است که با تصویب قانون مجازات اسلامی جدید، اشخاص حقوقی نیز مشمول این نوع از مجازات‌ها شده‌اند، به‌نظر نگارنده اعمال این مجازات به‌صورت مستقل و تبعی به‌دلیل ایجاد محدودیت‌های شغلی، علاوه بر این که بحث بازگشت مجرم به جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد اثرات منفی بر خانواده وی را نیز به‌همراه خواهد داشت، زیرا در این دو مجازات هیچ‌گونه تناسبی بین جرم و این نوع مجازات وجود ندارد، یعنی مخالف با اصول تساوی و قانونی‌بودن جرایم و مجازات‌ها است. نیز قانون‌گذار برای تدوین این‌گونه قوانین از تخفیف متناسب با عنوان اعاده حیثیت از نوع قضایی نیز بهره‌ای نجسته است و برخلاف تدوین در لایحه با ایجاد تغییرات در قانون مجازات اسلامی جدید حذف نکرده است. همچنین تعریف حقوق اجتماعی را حذف و تنها به مصادیق اشاره کرده است. بنابراین اعمال مجازات به‌صورت تکمیلی و یا اقدام تأمینی و تربیتی با نظر قاضی اجرای مجازات‌های جایگزین حبس براساس قانون می‌تواند در جهت اعمال این مجازات مناسب‌تر باشد.

- دانش‌پژوه، وهاب (۱۳۷۸). «محرومیت از حقوق اجتماعی در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- رستمی غازانی، امید و واعظی، علیرضا (۱۳۸۹). «مجازات تبعی در فقه امامیه». *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ۵۵: ۶۵-۹۶.
- رهامی، محسن (۱۳۸۰). «ماهیت آثار و مبانی شرعی محرومیت از حقوق اجتماعی». *مجله مجتمع آموزش عالی*، ۱۱: ۵-۳۰.
- شاکری، ابوالحسن و حیدری، سیدمسعود (۱۳۹۶). «تقابل مجازات جایگزین حبس با قانون وصول در حقوق ایران». *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، ۹(۳): ۱۲۳-۱۵۶.
- شجریان، خسرو (۱۳۹۳). «بررسی مجازات‌های جایگزین حبس در قانون جدید مجازات اسلامی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- صبری، نورمحمد (۱۳۸۶). *درآمدی بر روش تحقیق در حقوق*. چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- صلاحی، جاوید، (۱۳۸۹). *درآمدی بر جرم‌شناسی و بزه‌دیده شناسی*. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- عابدی‌نژاد مهربانی، زهرا (۱۳۸۶). «زمینه‌های اجرایی اجرای مجازات‌های اجتماعی». *مجله حقوقی عدالت‌آرا*، ۸: ۱۱۵-۱۳۵.
- عبادی، محمدهادی (۱۳۸۷). «ماهیت حق در فقه امامیه و حقوق ایران». *فصلنامه پژوهشی، آموزشی و اطلاع‌رسانی گواه*، ۱۲: ۴-۱۱.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۶). *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*. چاپ پانزدهم، تهران: نشر میزان.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۷). *محشای قانون مجازات اسلامی*. چاپ نهم، تهران: انتشارات مجد.
- محمدنژاد، پرویز (۱۳۸۵). «اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران»، *نشریه روان‌شناسی و علوم تربیتی*.
- موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۰). «بررسی مبانی حقوق اجتماعی». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۴۱: ۲۶۱-۲۷۹.
- نوروزی فیروز، رحمت‌الله (۱۳۹۰). *حقوق جزای عمومی (مجازات)*. چاپ اول، تهران: نشر میزان.